

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

نقدی بر مبانی فمینیسم

استاد راهنما

حجه الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسائیا

استاد مشاور

سرکار خانم فریبا علاسوند

نگارنده

نرجس رودگر

1383

کوششی بس حقیر و ناچیز،

تقدیم به

مادر پدرش علیها السلام

به دستان ظریفی که غبار غربت را از پیشانی آسمانی ترین مرد زمین می زدود. همان دستان نحیف و ظریفی که در دفاع از حقیقت با تازیانه آشنا شد.

سپاس و تشکر

بدینوسیله مراتب قدردانی و تشکر خود را از اساتید محترم و بزرگوارانی که مرا در این پژوهش یاری کرده‌اند می‌رسانم.

از استاد بزرگوار و عالیقدر جناب حجة الإسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا که با قبول زحمت راهنمایی، وقت ارزشمندشان را صرف این پژوهش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

و نیز از استاد شایسته و گرانقدرم سرکار خانم عباسوند که راهنمایی‌ها و توصیه‌های ارزشمندشان همواره گره‌گشای مشکلات این راه بوده است صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

همچنین از کمک اساتید محترم دفتر مطالعات و تحقیقات زنان و زحمات کادر محترم کتابخانه آن دفتر، ممنون و سپاسگذارم.

از پدر، مادر و همسر بزرگوارم که همواره در مسیر تحصیل مشوق و همراهم



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

**بوده‌اند صمیمانه تشکر و از پیشگاه خداوند متعال برای این عزیزان طلب
رحمت و مغفرت می‌نمایم. والحمد لله كما هو اهله.**



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

چکیده

فمینیسم، به معنای «آزادی خواهی زنان» جریانی است که در ابتدا به صورت جنبشی اجتماعی در اوایل قرن 19 م ظاهر شد. مروری بر تاریخ وضعیت زنان نشان می دهد در اغلب دوره های تاریخی خصوصاً در سده های 14 و 15 به بعد زنان از وضعیت نامطلوبی (محرومیت از تعلیم، قانونی بودن کتک زدن زنان، سلب حق مالکیت و...) در رنج بودند. عوامل ظهور فمینیسم علاوه بر فشار فوق العاده بر زنان عبارت است از: زمینه های فکری و فلسفی از جمله لیبرالیسم و مدرنیسم که با طرح شعارهایی چون نوگرایی، انسان محوری، خردگرایی و اصل کرامت انسانی که هر فرد را به لحاظ انسان بودن شایسته حقوقی چون آزادی، برابری و آموزش همگانی می دانست و عمومی بودن این شعارها برای تمام انسانها و از سوی دیگر محرومیت زنان از این حقوق، باعث ایجاد تضاد عینی و ذهنی زنان شد و لذا مقدمات اعتراض زنان را فراهم آورد. انقلاب فرانسه و آمریکا و تشکیل دول لیبرال (زمینه های اجتماعی — سیاسی) و سرمایه داری و انقلاب صنعتی (زمینه های اقتصادی) نیز هر کدام به نوبه خود فرصت را برای طرح این اعتراضات فراهم کردند.

معمولاً تاریخ فمینیسم را به سه موج تقسیم می کنند: گفتار غالب در موج اول «فمینیسم لیبرال یا برابری» از سویی و «فمینیسم تفاوت» از سوی دیگر است. گفتار غالب موج دوم، «فمینیسم مارکسیستی» و «فمینیسم رادیکال» است که فمینیسم در این زمان بیش از هر زمان وارد عرصه نظریه پردازی می شود و نظریه «نظام پدرسالاری» و «تفکیک جنس و جنسیت» آموزه های اساسی فمینیسم رادیکال را تشکیل می دهد.

موج سوم فمینیسم در حال و هوای جریاناتی چون «پست مدرنیسم» و «پساساختارگرایی» شکل گرفت و فمینیستهای پست مدرن تحت تأثیر آموزه هایی چون نسبیت گرایی، تکثرگرایی و رد بی طرف علم، زن را دارای هویت متکثر و زنانگی را ساختگی و دانشهای زمانه را مردانه و جانبدارانه معرفی نمودند. گرچه نسبیت و تکثرگرایی پست مدرنیسم دامنگیر نهضت فمینیسم شده و توان عملی آن را بسیار محدود می کند اما معرفت شناسی فمینیستی با آموزه هایی از قبیل جانبدارانه بودن معرفت، نقش جنسیت و اجتماع و دیدگاه در معرفت، حاصل پیوند فمینیسم و پست مدرنیسم است. از سویی دیگر، نسبیت گرایی پست مدرنیسم که ریشه در شکاکیت روزافزون مدرنیسم دارد به دلیل وجود اصولی چون «وجود بدیهیات» و «تجرد علم» محکوم می شود و به دنبال آن آموزه های معرفت شناسی فمینیستی را هم زیر سؤال می برد.

در بخش نقد با نگاهی مقایسه ای بین اصول اسلام و فمینیسم ریشه مشکلات فمینیسم، بنیادهای انسان شناختی و معرفت شناختی و برخورداری از جهان بینی متعالی دینی دانسته شده



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

و با طرح نظریات اندیشمندان غرب و شرق، مهم‌ترین بحث فمینیستی (برابری یا تفاوت) و پیامدهای منفی فمینیسم مورد بررسی قرار می‌گیرد.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فهرست مطالب

- 1 ... مقدمه: طرح تحقیق
- 2 ... 1- بیان مسأله
- 4 ... 2- اهمیت و ضرورت موضوع
- 6 ... 3- اهداف پژوهش
- 7 ... 4- سؤال‌های پژوهش
- 7 ... 5- فرضیه‌های پژوهش
- 8 ... 6- پیش‌فرض‌های پژوهش
- 8 ... 7- سازمان‌دهی پژوهش
- 10 ... 8- روش پژوهش
- 10 ... 9- سابقه پژوهش
- 13 ... 10- واژگان کلیدی

- 14 ... فصل اول: آشنایی با «فمینیسم»
- 15 ... آشنایی با واژه «فمینیسم»
- 16 ... تعریف فمینیسم
- 19 ... جنبش، نظریه، مکتب و یا فلسفه؟
- 19 ... جنبش اجتماعی

- 21 نظریه اجتماعی ...
- 24 1 - نظریه سیاسی و عمل‌گرا ...
- 25 2 - نظریه‌ای انتقادی ...
- 27 مکتب ...
- 28 فلسفه ...

- 30 فصل دوم: بررسی علل ظهور فمینیسم ...
- 31 بخش اول: مروری بر تاریخ وضعیت زنان ...
- 32 وضعیت زنان در ماقبل تاریخ ...
- 34 «مادرتباری» بله، «مادرسالاری» خیر! ...
- 38 تغییر در وضعیت زنان ...
- 39 زن در یونان باستان ...
- 40 وضعیت زنان در روم ...
- 43 وضعیت زنان در رنسانس ...
- 44 زن و توسعه در فرانسه ...
- 46 بخش دوم: بررسی علل ظهور و پیدایش فمینیسم ...
- 48 الف - زمینه‌های فکری و فلسفی ...
- 49 1 - مدرنیته یا مدرنیسم ...
- 49 تعریف مدرنیته ...
- 50 نوگرایی و سنت ستیزی ...
- 51 انسان محوری ...
- 52 خردگرایی ...

- آموزش ... 52
- ارمغان مدرنیته برای فمینیسم ... 53
- 2 - لیبرالیسم ... 54
- انسان مداری ... 55
- فردگرایی ... 56
- آزادی ... 56
- خویش مالکی ... 57
- برابری ... 58
- آموزش همگانی ... 58
- تأثیر لیبرالیسم در ظهور فمینیسم ... 60
- فرد یا مرد؟ ... 61
- ژان ژاک روسو ... 61
- جان استوارت میل ... 64
- کندرسه ... 66
- ب) زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ... 68
- ج) زمینه‌های اقتصادی ... 71
- نقش انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری در وضعیت زنان ... 71
- ایدئولوژی خانه نشینی ... 74

- فصل سوم: امواج و گرایش‌ها ... 78**
- مقدمه: ... 79
- موج اول ... 81

- 81 الف) فمینیسم لیبرال یا برابری ...
- 85 ب) فمینیسم تفاوت ...
- 89 افول موج اول ...
- 90 موج دوم ...
- 92 فمینیسم مارکسیستی ...
- 96 فمینیسم رادیکال ...
- 98 1- پدر سالاری ...
- 104 راه حل‌های فمینیسم رادیکال ...
- 107 2- تفکیک جنس و جنسیت ...
- 115 زمینه‌های گفتاری موج سوم: ...
- 116 1- پست مدرنیسم یا پساتجددگرایی ...
- 118 2- ساختارگرایی ...
- 120 ژاک لاکان ...
- 123 تعامل ساختارگرایی و فمینیسم ...
- 124 3 - پسا ساختارگرایی ...
- 125 ژاک دریدا ...
- 126 میشل فوکو ...
- 129 موج سوم ...
- 130 هویت‌های متکثر ...
- 133 مشکلات فمینیسم پست مدرن ...
- 139 معرفت و جنسیت ...
- 141 الف) سرشت مردانه علم در غرب ...

- 142 یونان قدیم ...
- 143 افلاطون ...
- 143 فرانسیس بیکن ...
- 144 فیلون ...
- 145 آگوستین ...
- 145 آکوئیناس ...
- 146 دکارت ...
- 149 ژان ژاک روسو ...
- 150 کانت ...
- 150 نتیجه‌گیری ...
- 151 لوس ایریگاری ...
- 152 لودوف ...
- 153 (ب) معرفت شناسی فمینیستی ...
- 154 1- معرفت چه کسی؟ ...
- 155 2 - نقش جنسیت در معرفت ...
- 156 3- نقش اجتماع در معرفت ...
- 158 4 - نظریه دیدگاه ...
- 162 5- علم جایگزین و مشکلات آن ...
- 167 نقدی بر مبانی فمینیسم پست مدرن: ...
- 171 نسبیت‌گرایی، تیغ دو لبه ...
- 173 نقد شکاکیت: ...
- 173 الف - همه علوم نسبی نیستند. ...

- 174 - 1 - اصل واقعیت ...
- 175 - 2 - شناخت واقع، ممکن است ...
- 176 ب - ریشه نسبیت گرایی، ماده‌گرایی است ...
- 179 نتیجه‌گیری ...
- 181 **فصل چهارم: نقد فمینیسم ...**
- 182 مقدمه ...
- 183 در جستجوی نکات مثبت برای فمینیسم ...
- 185 ظهور دیر هنگام فمینیسم و نگاه حاشیه‌ای دنیای غرب به مسأله زنان ...
- 188 انقلاب فرهنگی اسلام در مسائل زنان ...
- 188 1 - ارمغان انسانیت ...
- 188 الف) تساوی در اصل انسانیت ...
- 189 ب) تساوی در لوازم و کمالات انسانی ...
- 191 2 - ارمغان استقلال ...
- 191 الف) استقلال در انتخاب دین و اعتقادات ...
- 192 ب) استقلال اجتماعی و سیاسی ...
- 194 ج) استقلال اقتصادی ...
- 194 اهمیت ویژه اسلام به مسأله زنان ...
- 199 مشکلات فمینیسم ...
- 199 ضعف پشتوانه فکری ...
- 201 نابرخورداری از جهان‌بینی برتر ...
- 203 نقدی بر مهم‌ترین بحث فمینیستی ...

- برابری یا تفاوت... 204
- 1 - شواهد زیست‌شناختی... 205
- الف) تفاوت ژنتیکی... 205
- ب) تفاوت در ساختمان مغز و شیوه تفکر... 207
- تفاوت در حجم مغز... 210
- ج) تفاوت در استعدادها و مهارتها... 210
- 2- تأثیر هورمون‌ها در تفاوت‌های دو جنس... 211
- شواهد روانشناختی و جامعه‌شناختی... 212
- تأثیر متقابل هورمون‌ها و جامعه... 213
- تشخیص تفاوت‌های حقیقی... 214
- تفکیک جنس و جنسیت... 216
- 1 - نفی هر گونه تفاوت دلیلی ندارد... 216
- 2 - نفی هر گونه زنانگی به نفی زن می‌انجامد... 217
- ریشه‌یابی دغدغه فمینیستها در نفی هر گونه تفاوت... 218
- 1 - دیدگاه ماده محور... 218
- 2 - تحقیر زنانگی... 220
- مروری بر اصول اسلامی در مسائل دوجنس... 222
- 1 - حکمت تفاوت‌ها در نظام خلقت: تناسب نه نقص و کمال... 222
- 2 - تطابق میان تکوین و تشریح... 226
- 3 - نقش نظام ارزشی در نگاه به تفاوت‌ها... 230
- 4 - پرهیز از حق‌طلبی منهای مسئولیت‌پذیری و اخلاق... 232
- الف) توازن حق و تکلیف... 233

233 (ب) تعامل حقوق و اخلاق ...

235 پیامدهای فمینیسم ...

235 1 - اصالت مرد ...

238 2 - آزادی مردان ...

242 نتیجه گیری ...

248 فهرست منابع ...

249 الف) منابع فارسی ...

256 ب) منابع عربی ...

257 ج) نشریات ...

مقدمه:

طرح تحقیق

1- بیان مسأله

امروزه فمینیسم به عنوان جنبشی اجتماعی با حضور گسترده در سطح سیاست دولت‌ها و کشورها در پیشبرد منویات خود صاحب قدرت بوده و قوانین روز مغرب زمین و حتی بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

به عنوان یک نظریه نیز با نفوذ در سطح دانشگاه‌ها و مجامع علمی و ارائه انبوهی از مقالات، نشریات و کتب و حتی تشکیل رشته‌های علمی مربوط به مسائل زنان به فعالیت‌های گسترده علمی دست زده است. به طوری که در اکثر تألیفات جامعه‌شناختی روز حداقل فصلی به نظریه فمینیستی اختصاص می‌یابد.

اگر چه نظریه اجتماعی فمینیسم زیر مجموعه علوم اجتماعی قلمداد می‌شود اما به دلیل خصوصیت عمل‌گرایی و پیام‌دگرایی‌اش، جنبه سیاسی نیز پیدا می‌کند و گاه از آن به عنوان «نظریه‌ای سیاسی» یاد می‌شود.

گذشته از آن، ظهور و پیدایش و سپس رشد و گسترش فمینیسم در مغرب زمین به جنبه دیگری از ماهیت فمینیسم شکل می‌دهد و آن، پیوند عمیق فمینیسم با فلسفه و فرهنگ غرب و تأثیرپذیری شدید فمینیسم از جریانات فکری و فلسفی پیرامون خویش است. به طوری که می‌توان گفت اگر جریاناتی از قبیل رنسانس، مدرنیسم و یا لیبرالیسم در غرب پدیدار نمی‌شدند به هیچ وجه فمینیسم با ماهیتی که از آن سراغ داریم ظهور نمی‌کرد. و یا اگر فمینیست‌ها از مکتب

مارکسیسم وام نمی‌گرفتند، گرایشی چون «فمینیسم مارکسیستی» و احیاناً «فمینیسم رادیکال» به عرصه نمی‌آمد و اگر مدرنیسم جای خود را به پست مدرنیسم نمی‌داد بسیار بعید بود که «فمینیسم پست مدرن» به شکلی که امروزه وجود دارد گسترش پیدا کند.

بر همین اساس فمینیسم را می‌توان از مناظر متفاوتی مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

1 - از نظر علوم اجتماعی به عنوان یک جنبش و نظریه اجتماعی
2 - از منظر علوم سیاسی به عنوان جنبش و نظریه‌ای عمل‌گرا که معطوف به سیاست است.

3 - از منظر فلسفه و مبانی معرفتی که فمینیسم در آن ریشه کرده و خمیرمایه تفکراتش را از آن بستر معرفتی اخذ کرده است.

بدیهی است گرچه در مطالعه و بررسی فمینیسم می‌توان به صورت ویژه یکی از این رویکردها را در نظر گرفت اما برای شناخت کامل از همه ابعاد جریان فمینیستی نمی‌توان صرفاً به یکی از این رویکردها اکتفا کرد.

مطالعه نشان می‌دهد اکثر بررسی‌ها، تحلیل‌ها و نقدهایی که در مورد فمینیسم صورت گرفته است بیشتر از منظر جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بوده است لذا ابعاد فلسفی و معرفتی قضیه معمولاً مورد غفلت واقع شده است.

در این پژوهش ضمن اثبات این فرضیه که فمینیسم را نمی‌توان از فرهنگ و فلسفه غرب جدا کرد سعی شده است در مطالعه و بررسی فمینیسم، علاوه بر ابعاد جامعه‌شناختی، به ابعاد فلسفی و معرفتی آن نیز بیشتر توجه شود.

در نگاهی کلی، مبانی فکری فمینیسم را می‌توان نظریات پایه‌ای دانست که فکر فمینیستی بر اساس آن شکل گرفته است. در این زمینه می‌توان از «لیبرالیسم» به عنوان مبنای «فمینیسم لیبرال» و از «مارکسیسم» و «سوسیالیسم» به عنوان مبنای «فمینیسم مارکسیستی» و «فمینیسم سوسیالیستی» و از «پست مدرنیسم» به عنوان مبنای «فمینیسم پست مدرن» یاد کرد.

با توجه به کلی بودن این مباحث و نظریات در جایگاه‌های مختلف به فراخور فصول و بخشها به این مباحث که آنها را مبانی تفکر فمینیستی می‌دانیم اشاره می‌کنیم. اما در نگاهی جزئی‌گرایانه و موشکافانه می‌توان عمده‌ترین مبحث هر دوره از ادوار فمینیسم و یا هر گرایش از گرایش‌های عمده فمینیستی را مبنای فکری آن دوره یا گرایش به حساب آورد.

منظور از عمده‌ترین بحث، سرفصل و نکته کلیدی‌ای است که به گونه‌ای برجسته، هر گرایش را از دیگر شاخه‌ها متمایز می‌سازد و بیت‌الغزل آن محسوب می‌شود و به طور کلی مبنا و پایه نظری آن گرایش را تشکیل می‌دهد.

در این راستا بحث «برابری یا تفاوت» به عنوان مبنای فکری «فمینیسم لیبرال»، بحث «پدرسالاری» و «تفکیک جنس و جنسیت» به عنوان پایه «فمینیسم رادیکال» و بحث «تزلزل هویت‌های متکثر» و «معرفت و جنسیت» و بحث «معرفت‌شناسی فمینیستی»، اساس و پایه فمینیسم پست مدرن تلقی می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی و نامگذاری برای تمایز و وضوح بیشتر می‌توان از مبانی دسته اول (لیبرالیسم، مارکسیسم، پست مدرنیسم) با عنوان «مبنای بیرونی» و از مبانی دسته دوم (برابری یا تفاوت، جنس و جنسیت، پدرسالاری، معرفت و جنسیت) با عنوان «مبنای درونی» یاد کرد در نتیجه این پژوهش به شناخت، بررسی و تحلیل مبانی درونی و بیرونی فمینیسم می‌پردازد.

2 - اهمیت و ضرورت موضوع

ضرورت بررسی فمینیسم به اهمیت مسأله زنان بر می‌گردد و در سه مقدمه زیر خلاصه می‌شود:

- 1- زنان حدودا نیمی از بشریت را تشکیل می‌دهند.
- 2- این گروه در طول تاریخ مورد انواع ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها و تحقیرها بودند.

3 - فمینیسم مدعی احقاق حقوق از دست رفته این گروه است.

ویدورانت راجع به اهمیت ظهور فمینیسم گفته است :

«اگر فرض کنیم در سال 2000 مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم که بزرگترین حادثه ربع اول قرن بیستم چه بوده است متوجه خواهیم شد که این حادثه جنگ، یا انقلاب روسیه نبوده است بلکه همانا دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین تغییر تکان دهنده‌ای در مدتی به این کوتاهی کمتر دیده است خانه مقدس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قوانین اخلاقی پیچیده‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پراشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است گرفتار گشته‌اند»¹

حقیقت این است که گرچه فمینیسم برخاسته از اقلیتی از زنان تحصیلکرده قشر متوسط اروپا و آمریکا است اما ادعای نمایندگی تمام زنان عالم دارد و اکنون در سطح جوامع و بین الملل مطرح ترین مدعی دفاع از حقوق زنان است. امروزه فمینیستها هستند که برای بهبود وضعیت زنان نظریه پردازی می کنند و با ارائه اصول و قوانین، دولت ها را در پذیرش و اجرای آنها تحت فشار قرار می دهند.

اما با توجه به اهمیت مسائل زنان که نیمی از پیکره اجتماع هستند که نیم دیگر را نیز در دامن خود پرورش می دهند، به راستی فمینیسم می خواهد و به دنبال آن انسان و بشریت را به کجا ببرد؟ آیا فمینیسم صلاحیت این امر خطیر که به سرنوشت بشریت بر می گردد را داراست؟ اندیشمند بزرگ آیت الله خامنه‌ای - مدظله العالی - فرموده اند:

1. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، 1378، ص 1.30

«هنوز بشر نتوانسته است مسأله زن و به تبع این مسأله مسأله انسانیت را حل کند. به عبارت دیگر زیاده روی ها و کجروی ها و بدفهمی ها و به تبع اینها تعدی ها، ظلم ها، نارسایی های روانی، مشکلات مربوط به خانواده و مشکلات مربوط به نحوه اختلاط و امتزاج در ارتباطات هنوز جزو مسائل حل نشده بشریت است»²

همه این مسائل نشان دهنده اهمیت پرداختن به مسأله زنان و ضرورت بررسی فمینیسم به عنوان داعیه دار دفاع از زنان عالم است چرا که به فرموده شهید عالیقدر استاد مطهری تقلید و تبعیت کورکورانه از روش مردم غرب که هزاران بدبختی را برای خود آنها به وجود آورده است بدبختی های نوع غربی را به بدبختی های نوع شرقی زن می افزاید.³

گذشته از ضرورت و اهمیت بررسی و ارزیابی فمینیسم، اتخاذ رویکرد فلسفی و پرداختن به مبانی معرفتی در این تحلیل و بررسی، از این جهت حائز اهمیت است که شناخت عمیق از شعارها، آرمان ها و اصول فمینیستی بدون آگاهی از مبانی فکری و معرفتی و فلسفه ای که این شعارها از آن برخاسته است میسر نیست. بدون در نظر گرفتن ریشه و خاستگاه فکری فمینیسم، در شناخت فمینیسم دچار قشری گری و سطحی نگری می شویم.

همچنین غفلت از این مبانی معرفتی و فرهنگی باعث بروز مغالطه و اشتباهاتی شده است که با برجسته نمودن این بعد از ماهیت فمینیسم می توان بروز این اشکالات را از ریشه خشکاند.

3 - اهداف پژوهش

1 - آشنایی با فمینیسم و گرایشات فمینیستی

2. امیر حسین بانکی پور فرد، *آینه زن مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری*، قم: طه، ص 2.317.

3. ر.ک مرتضی مطهری، *نظام حقوق زن در اسلام*، ص 124 و 3.123.

- 2 - بررسی علل ظهور فمینیسم
- 3 - آگاهی از مبانی فلسفی و معرفتی گرایش‌های مختلف فمینیستی
- 4 - نشان دادن ارتباط تنگاتنگ و ناگسسته فمینیسم با فلسفه و فرهنگ غرب
- 5 - نقد مهم‌ترین بحث فمینیستی و بیان نظریه صحیح

4 - سؤال‌های پژوهش

اصلی‌ترین سؤال این پژوهش این است که فمینیسم بر چه مبانی فکری و نظری‌ای استوار است و چه نقدی بر این مبانی وارد است؟ به سایر سؤال‌های زیر نیز ضمن بحث پرداخته می‌شود:

- 1 - فمینیسم چیست؟
- 2 - فمینیسم چه رابطه‌ای با فرهنگ غرب دارد؟
- 3 - علل ظهور فمینیسم در غرب کدامند؟
- 4 - فمینیسم در طول تاریخ خود چه تحولاتی را از سر گذرانده و به چه گرایش‌هایی تقسیم شده است؟
- 5 - تأثیر لیبرالیسم، سوسیالیسم، مارکسیسم و پست مدرنیسم بر فمینیسم چه بوده است؟
- 6 - مهم‌ترین بحث هر کدام از گرایش‌های فمینیستی چیست؟
- 7 - آیا زن و مرد موجوداتی مساوی‌اند یا متفاوت؟
- 8 - آیا زنانگی و جنسیت طبیعی است یا ساختگی؟
- 9 - چرا فمینیسم دچار سردرگمی، اختلاف نظر و انحراف شده است و به بیانی ریشه مشکلات فمینیسم در کجاست؟
- 10 - نظریه صحیح کدام است؟

5- فرضیه‌های پژوهش

- 1 - نظریه فمینیسم، ریشه در فلسفه و فرهنگ غرب دارد و نمی‌توان آن را جدا کرد.
- 2 — تحولات فکری و اجتماعی پس از رنسانس به علاوه ظلم تاریخی بر زن غربی باعث ظهور فمینیسم شد.
- 3 — فمینیسم در طول تاریخ خود تحت تأثیر مکاتب نوظهور فلسفی، سیاسی و... به گرایش‌های چون فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم سوسیالیستی و فمینیسم پست مدرن تقسیم شده است.
- 4 — به دلیل ارتباط تنگاتنگ فمینیسم با این مکاتب، انحرافات و مشکلات این مکاتب دامنگیر فمینیسم هم شده است.
- 5 — مهم‌ترین بحث فمینیستی که جهت‌گیری‌های متفاوت در آن باعث بروز اختلاف میان فمینیست‌ها شده است بحث «برابری یا تفاوت» زن و مرد است.
- 6 - فمینیسم در احقاق حقوق زنان ناموفق بوده است.
- 7 - اسلام مدعی حقیقی و راستین دفاع از زنان است.
- 8 — ضعف پشتوانه فکری و نابرخورداری از جهان‌بینی برتر و درعوض بنیادهای انسان‌شناختی ماده محور، ریشه تمام مشکلات فمینیسم است.
- 9 - ناسازگاری اسلام و فمینیسم.

6 - پیش‌فرض‌های پژوهش

- 1 - زنان عالم، تاریخی پر از ظلم، تبعیض و تحقیر را گذرانده‌اند.
- 2 - مهم‌ترین شعار و دغدغه فمینیسم بهبود وضعیت زنان و رهایی از هر گونه ظلم است.
- 3 - خاستگاه فمینیسم در مغرب زمین است.

- 4 - شناخت فمینیسم و بررسی نظریات آن، قدم اول برای نقد و ارزیابی آن است.
- 5 - شناخت کامل از فمینیسم مبتنی بر شناخت مبانی نظری آن است.
- 6 — نقد فمینیسم متکی بر نقد مبانی از سوئی و شعارها، اهداف و آرمان‌ها از سوی دیگر است.

9 - سازمان‌دهی پژوهش

مطالب این پژوهش ضمن چهار فصل آمده است:

فصل اول به آشنایی با فمینیسم اختصاص یافته است که ضمن آشنایی با واژه «فمینیسم» تاریخ کاربرد و مفهوم آن، فمینیسم را به عنوان جنبشی اجتماعی و در مرحله بعد نظریه‌ای اجتماعی و سیاسی شناسایی می‌کند و مشخصات و ویژگی‌های این نظریه را معلوم می‌نماید.

فصل دوم علل ظهور فمینیسم را بررسی می‌کند و به دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول وضعیت نامطلوب زنان در طول تاریخ غرب به عنوان اساس و ریشه فریادهای اعتراض‌آمیز فمینیستی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در بخش دوم به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چرا علیرغم وجود ظلم و بی‌عدالتی طی قرون متمادی نسبت به زنان، نهضت زنان در چنین مرحله‌ای در تاریخ مغرب زمین شکل گرفته است؟

در جواب به این پرسش، زمینه‌های سه‌گانه «فکری — فلسفی»، «سیاسی — اجتماعی» و «اقتصادی» به عنوان علل ظهور فمینیسم مطرح می‌شود.

لیبرالیسم و مدرنیسم، فلسفه و نگرشی است که رواج آن در مغرب زمین، زمینه را برای بسیاری از تحولات از جمله تحول در مسائل زنان فراهم کرد لذا می‌توان آن را ریشه و مبنای فکری ظهور فمینیسم به حساب آورد.

انقلاب فرانسه، آمریکا و تشکیل دولت‌های لیبرال که مولود اندیشه لیبرالیسم بودند نیز اثرات متمایز بر وضعیت زنان گذاردند که در قسمت «زمینه‌های سیاسی — اجتماعی» از آن بحث

می‌شود و در بخش «زمینه‌های اقتصادی» به تأثیر انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری در این مورد می‌پردازیم.

آشنایی کامل از فمینیسم مستلزم، آشنایی از سیر تحولات و تغییراتی است که این جریان طی تاریخ خود از سر گذرانده است. چنانچه می‌آید تاریخ فمینیسم را می‌توان به 3 دوره تقسیم کرد که به «موج اول»، «موج دوم» و «موج سوم» معروف است. در کنار این تقسیم‌بندی، فمینیسم به لحاظ تأثیرپذیری از تحولات فکری، فلسفی و اجتماعی پیرامون خود به گرایش‌های مختلف و متنوعی تقسیم می‌شود که هر گرایش به وسیله نظریات و اصول متفاوتی از دیگر گرایش‌ها متمایز می‌شود.

در فصل سوم عمده‌ترین گرایش هر موج همراه با مهم‌ترین اصول و مبانی فکری آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و بدین ترتیب علاوه بر آشنایی با مهم‌ترین گرایش‌های فمینیستی و اصول فکری و نظری هر گرایش، سیر تطور تاریخی آن نیز مورد لحاظ قرار می‌گیرد و در آخر نقدهای بر مبانی فمینیسم پست مدرن و معرفت‌شناسی فمینیستی، صورت می‌گیرد.

فصل چهارم به نقد و ارزیابی نظریات فمینیستی اختصاص دارد. در این فصل نقطه ضعف‌های فمینیسم در دفاع از حقوق زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و ضعف‌های پشتوانه فکری و محرومیت از جهان‌بینی برتر و در عوض تأثر از مکاتب انحرافی بس‌تر فرهنگ غرب علت و ریشه سایر مشکلات فمینیسم معرفی می‌شود. این امر در مقایسه با دیدگاه صحیح اسلام و اصولی که با توجه به تمام ابعاد روحی — روانی و فردی — اجتماعی شخصیت زن برای او طراحی شده است بیشتر مشخص می‌شود.

در مرحله بعد با تشخیص این مسأله که مهم‌ترین بحث فمینیستی در «تفاوت یا برابری» دو جنس خلاصه می‌شود به نقد و ارزیابی این مسأله همراه با استعانت از اصول اسلامی می‌پردازیم. بحث «اصالت مرد» و «آزادی مردان» نیز به عنوان برخی از پیامدهای فمینیسم آخرین صفحات این فصل را به خود اختصاص داده است.

7- روش پژوهش

چنانچه از مطالب مذکور به دست می‌آید این پژوهش در بردارنده توصیف فمینیسم و گرایش‌های مختلف آن، تحلیل مبانی و نظریات مندرج در هر گرایش همراه با ریشه‌یابی و بررسی علل وقوع فمینیسم و در آخر ارزیابی نظریات فمینیستی می‌باشد لذا می‌توان گفت در تدوین این پژوهش از روش‌های «توصیفی»، «تحلیلی» و «علی» توأماً استفاده شده است.

8- سابقه پژوهش

سابقه پژوهش و نشر کتاب درباب مشکلات زنان، به آغاز شکل‌گیری نهضت فمینیسم بر می‌گردد که با کتاب «دفاع از حقانیت حقوق زنان» (1792) نوشته مری ولستون کرافت شروع می‌شود.⁴ تعدادی از مهم‌ترین کتب فمینیستها پس از آن از این قرار است:

- کنیزك کردن زنان (1869) نوشته جان استوارت میل⁵

- انجیل زنان (1898) نوشته الیزابت کدی استانتون⁶

- جنس دوم (1947) نوشته سیمون دوبوار⁷

- رمز و راز مؤنث (1963) نوشته بتی فریدن⁸

- سیاست‌های جنسی (1970) نوشته کیت میل⁹

- دیالکتیک جنس (1971) نوشته شولامیت فایرستون¹⁰

41. Mary wollstoone craft

52. John Stuart Mill

63. Elizabeth Cady Stanton

74. Simone De Beauvoir

85. Betty Friedan

96. Kate Millett

101. Shulamith Firestone

- روانکاوی و فمینیسم (1974) نوشته جولیت میچل¹¹
 - کار خانگی (1977) نوشته آن اوکلی¹²
 - باز تولید مادری (1978) نوشته نانسی چودروف¹³
 - پزشکی زنان (1978) نوشته مری دیلی¹⁴
 - ازدواج ناخوشایند مارکسیسم و فمینیسم (1978) نوشته هایدی هارتمن¹⁵
 - کسی زن به دنیا نمی آید (1979) نوشته مونیک ویتیگ¹⁶
 - ستم امروز بر زنان (1980) نوشته میشل بارت¹⁷
 - سیاست فمینیستی و سرشت انسان (1983) نوشته آلیسون جگر¹⁸

 - مرحله بندی تاریخی پدرسالاری (1988) نوشته سیلویاوالبی¹⁹
- در کشورهای مسلمان عرب در مورد مسائل زنان و نظام شخصیت زن در اسلام نیز آثاری عرضه شده است که به بعضی از آنان اشاره می کنیم.
- المرأة العربیة فی ظلال الاسلام - عبدالله عقیفی

112. Juliet Michell

123. Ann Okley

134. Nancy Chodorow

145. Mary Daly

156. Heidi Hartman

167. Monique Wittig

178. Michelle Barrett

189. Alison Jaggar

1910. Sylvia Walby

كليه حقوق مادي و معنوي اين اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم عليه السلام می باشد

— واقع المرأة الحضاری فی ظل الاسلام منذ البعثة النبویة حتى نهاية الخلافة الراشدة، امنه
فتنت مسيکه برّ (1998 م)
- حقوق المرأة بين الاسلام و الديانات الاخری، محمود عبدالحمید محمد (1990م)
— اجحة المکرالثلاثة و خوافيها: التبشير — الاستشراق — الاستعمار، عبدالرحمان حسن

المیدانی (1975م)

- المجتمع الانسانی فی ظل الاسلام، محمد ابوزهره (1970م)

- النظم الاسلامیة، منیر حمید البیاتی

- بحوث عربیة و اسلامیة، زاهیه قدروة (1984 م)

- تطوّر المرأة عبر التاريخ، باسمة کیال (1981 م)

در کشورمان ایران نیز کتب، مجلات، نشریه‌ها و مقالات بسیاری در مورد مسائل زنان، فمینیسم و اسلام و حقوق زنان به چاپ رسیده است که مهم‌ترین کتب آن، از این قرار است:
— تفسیر المیزان، اثر ماندگار علامه طباطبایی (قدس سره الشریف) که حضرتشان ذیل آیات ذیل و خصوصاً در جلد 2 و 4 مباحث عمیقی را در مورد مسائل زنان و نظام شخصیتی زن در اسلام طرح کرده‌اند:

سوره مبارکه بقره - آیات شریفه 222 تا 223 / 228 تا 243

سوره مبارکه آل عمران آیه 200

سوره مبارکه نساء، آیات شریفه 1 / 2 تا 6 / 11 تا 14 / 19 تا 22

— همچنین کتب «مجموعه مقالات پرسش‌ها و پاسخ‌ها» به کوشش سید هادی خسرو شاهی و «تعدد زوجات و مقام زن در اسلام» که هر دو اثر علامه طباطبایی می‌باشند.

- نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری رحمهم الله

- زن در آئینه جمال و جلال آیت الله جوادی آملی - مدظله العالی -

- دائرة المعارف رتلج فمینیسم، سردبیر: مهدی مهریزی

- فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان و تحقیقات زنان.

واژگان کلیدی:

فمینیسم، لیبرالیسم، مدرنیسم، فمینیسم برابری، فمینیسم تفاوت، فمینیسم رادیکال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم سوسیالیستی، پدرسالاری، جنس و جنسیت، پست مدرنیسم، هویت، معرفت‌شناسی فمینیستی، نقد.

فصل اول:

آشنایی با «فمینیسم»

آشنایی باواژه «فمینیسم»

بحثهایی در این باره که واژه «فمینیسم» نخستین بار چه وقت و کجا به کار رفته وجود دارد. آندره میشل در کتاب خود با عنوان «جنبش اجتماعی زنان» اظهار کرده است که این واژه در سال 1837 وارد زبان فرانسه شد.²⁰ اما جین فریدمن می‌گوید:

«از قرار معلوم واژه فمینیسم نخستین بار در 1871 و در یک متن پزشکی به زنان فرانسه برای تشریح گونه‌ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مردی به کار رفته که تصور می‌شده است که از «خصوصیات زنانه یافتن» تن خود در رنجند. سپس الکساندر دومای پسر، نویسنده فرانسوی، جمهوری خواه و ضد فمینیسم این واژه را به کار گرفت و در جزوه‌ای چاپ 1872 با عنوان «مرد - زن»²¹... برای تشریح زنانی به کاربرد که به گونه‌ای مردانه رفتار می‌کنند. در نتیجه همان طور که فرس (1995)²² یادآور می‌شود اگر چه در فرهنگ پزشکی معنی فمینیسم خصوصیات زنانه یافتن مردان بود، در اصطلاح سیستمی این واژه ابتدا در توضیح خصوصیات مردانه یافتن زنان به کار رفت.»²³

واژه «فمینیسم» با اندکی تغییر در تلفظ در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به یک معنا به کار می‌رود و از ریشه Feminine که معادل Feminin در فرانسوی و آلمانی می‌باشد، اخذ شده است. کلمه Feminin به معنای زن یا جنس مؤنث است که خود از ریشه لاتینی Femina گرفته شده است... در زبان فارسی معادل‌هایی چون «زن‌گرایی»، «زن‌وری»، «زنانه‌نگری» و

20. آندره میشل، فمینیسم، جنبش اجتماعی زنان، م. همزنجان زاده، چ 2، ص 11.20

21. L, homme _ Femme

22. Fraisse

23. جین فریدمن، فمینیسم، ص 6، فریروزه مهاجر، تهران: آشیان، 1381.

«آزادی خواهی زنان» برای این واژه پیشنهاد شده است که البته نمی‌توان نارسایی برخی واژه‌ها را در بیان حقیقت فمینیسم نادیده گرفت»²⁴

تعریف فمینیسم

تعارف متعدد و متنوعی برای «فمینیسم» ذکر شده است که ذیلاً به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم.

«فمینیسم یا دفاع از حقوق زنان، نهضتی اجتماعی است که هدف از آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان است»²⁵

در تعریفی دیگر آمده است:

«فمینیسم دفاع و جانبداری از حقوق زنان و عقیده به برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مبارزه در راه وصول به این برابری است و ایدئولوژی‌ای است که هدف اساسی آن از بین بردن تبعیض، تحقیر، توهین و ستم بر زنان و انداختن سلطه مردان از جامعه است»²⁶

فرهنگ لغت «رُبر» فمینیسم را چنین تعریف می‌کند: «آیینی است که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است»²⁷

با ذکر چند تعریف دیگر از فمینیسم این حقیقت آشکار می‌شود که در تعریف فمینیسم با مشکلاتی مواجه هستیم. چرا که در طول تاریخ فمینیسم اشخاص و گروه‌های گوناگونی عنوان فمینیست را برای خود برگزیدند که اختلافات بنیادینی در نظریات و عملکردهایشان وجود داشت. لذا نمی‌توان مفهوم واحد و مشترکی از فمینیسم ارائه داد که نشانگر تصویر واضح و روشنی از فمینیسم و مورد وفاق تمام فمینیستها باشد.

«ماری لوئیز جانسن، فمینیسم را مبارزه علیه سکسیسم می‌خواند... سیمون دوبوار هدف

محمد رضازیبایی نژاد، درآمدی بر فمینیسم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان و تحقیقات زنان، فمینیسم و دانش‌های²⁴ فمینیستی، ترجمه و نقد تعدادی از مقالات داورت المعارف رتلج، ص 14.

باقر ساروخانی، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، ج 1، انتشارات کیهان، چ 1375، ص 281.

علی آقا بخشی، مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، چ 1379، ص 211.

آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان، پیشین، ص 11.

فمینیسم را رسیدن به خواسته‌های ویژه زنان می‌داند. حال این دیگر به تک‌تک زنان بستگی دارد که از این «خواسته‌های ویژه» چه برداشتی داشته باشند»²⁸ گاهی فمینیسم به عنوان نظریه‌ای در باب جنسیت مطرح می‌شود که سوژه اصلی آن «جنسیت» است. جین فلکس بر آن است که:

« هدف بنیادی نظریه پردازی فمینیستی تحلیل روابط جنسیت است: روابط جنسیت چگونه قوام می‌گیرد و تجربه می‌شوند و ما چگونه درباره جنسیت می‌اندیشیم یا... »²⁹

از نظر رتیزر:

«نظریه فمینیستی به يك شاخه پژوهشگری نوین درباره زنان اطلاق می‌شود که درصدد است نظامی فکری را درباره زندگی بشر تدارک ببیند تا زنان را به عنوان شناخته و شناسا، عمل کننده و داننده مورد بررسی قرار دهد.»³⁰

نگاهی به سیر تاریخی فمینیسم تا حدودی وجه اختلاف در تفسیر این واژه را روشن می‌سازد چرا که در طول تاریخ فمینیسم امواج و گرایشات مختلفی از فمینیسم ظهور کرد که هر کدام بسته به چشم اندازهای متفاوتی که داشتند به فعالیت‌های فمینیستی مشغول بودند. مثلاً در تعاریف بالا، گاه فمینیسم يك «نهضت» و «جنبش» معرفی می‌شود و گاه يك «نظریه». نگاه به تاریخ فمینیسم نشان می‌دهد موج اول فمینیسم بیشتر يك نهضت اصلاحی بود و موج دوم بیشتر به عرضه نظریه پردازی وارد می‌شود اما بدیهی است که تعریف فمینیسم به هر کدام از این موارد، نمی‌تواند تعریف جامعی از تمام امواج و گرایشات نوظهور در تاریخ فمینیسم باشد.

اختلاف دیدگاه و عملکرد در فمینیسم تا بدان جاست که امروزه گاه به جای «فمینیسم» از «فمینیسم‌ها» استفاده می‌شود. ریک ویلفورد در بررسی علت این اختلافات می‌نویسد:

«این بلا تکلیفی را تا حد زیادی می‌توان با این واقعیت توضیح داد که فمینیسم در متن سنت مکتب‌های فکری موجود یا تازه پا، چون لیبرالیسم، سوسیالیسم یا مارکسیسم شکل گرفت. این موضوع دو نتیجه

. ب. شباهنگ، ملاحظاتی پیرامون جنبش فمینیسم، بولتن مرجع فمینیسم، مهدی مهریزی، ص 28.119

. حمیرا مشیرزاده، *از جنبش تا نظریه اجتماعی*، تاریخ دو قرن فمینیسم تهران: شیرازه، ص 443 و 29.444

. جورج رتیزر، *نظریه جامعه‌شناختی در دوران معاصر*، محسن ثلاثی، تهران: علمی، ص 30.514

داشت. اول، فمینیست‌ها به عنوان نمایندگان تفکر جدید و رادیکال ناچار از جا باز کردن در هر یک از این سنت‌ها بودند. دوم، در روند این جا باز کردن، فمینیست‌ها با مقدمات اساسی و خاص هر یک از این «ایسم‌ها» همراه شدند. بدین ترتیب خط جدا کننده فمینیست‌ها از یکدیگر ناشی از همراهی خودشان با یکی از این اینولوژی‌ها بود.³¹

نکته قابل ذکر دیگر اینکه تاریخ ظهور فمینیسم با تاریخ به کارگیری و خلق این اصطلاح فرق می‌کند. «فمینیسم به اندازه سابقه انقیاد و تابعیت زنان قدمت دارد.»³² یعنی از همان زمان که زنان تحت ستم و تبعیض قرار گرفتند، عکس‌العمل نشان دادند و در برابر این ظلم مقاومت کردند اگر چه این مقاومت‌ها گاه فردی و بسیار منزوی و نیمه آگاهانه و گاه جمعی و آگاهانه صورت گرفته است. چنانچه در تاریخ وضعیت زنان از نظر خواهد گذشت، سابقه این اعتراض‌ها حتی به جامعه روم در دوران باستان می‌رسد.

اما «واژه فمینیسم مدت‌ها پس از آن که زنان اعتراض به موقعیت فرودست خود را آغاز کردند و خواستار بهبودی در وضع اجتماعی‌شان شدند پدیدار شد. حتی پس از آن که واژه فمینیسم ساخته شد باز هم بسیاری از کسانی که برای حقوق زنان مبارزه می‌کردند خود را فمینیست نخواندند... و صرفاً در همین اواخر است که استفاده از برجست فمینیست برای تمام گروه‌های مدافع حقوق زنان بدون استثنا متداول شده است.»³³

جنبش، نظریه، مکتب و یا فلسفه؟

در پی‌گیری ماهیت فمینیسم باید ببینیم فمینیسم در کدام یک از دسته‌بندی‌ها و تعاریف علوم اجتماعی و سیاسی «جنبش، نظریه، مکتب و یا فلسفه» می‌گنجد. برای این منظور با مطالعه و تعریف هر یک از این مقولات، انطباق یا عدم انطباق فمینیسم بر این تعاریف را بررسی می‌کنیم.

جنبش اجتماعی

در تعریف جنبش آمده است:

31. ریک ویلفورد، مقاله فمینیسم، بولتن مرجع فمینیسم، پیشین، ص 31.29

32. جورج رتیزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، پیشین، ص 32.514

33. جین فریدمن، فمینیسم، پیشین، ص 7 و 33.8

«جنبش³⁴ حرکتی است در يك فرد، يك جمع یا جامعه که موجبات دگرگونی معنادار آن را فراهم می آورد. جنبش می تواند صورت های چندی یابد: 1- جنبش انقلابی³⁵ 2- نهضت اصلاحی»³⁶

و یا اینکه

«نهضت یا جنبش، حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی — سیاسی معین و براساس نقشه معین که ممکن است انقلابی یا اصلاحی باشد را گویند.»³⁷

آنتونی گیدنز جنبش اجتماعی را «کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدف مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی» تعریف می کند و سپس اضافه می کند: «اغلب، در نتیجه عمل اجتماعی، قوانین تا اندازه ای کاملاً تغییر می کنند» همچنین «گاهی خط فاصل میان جنبش های اجتماعی و سازمان های رسمی روشن نیست زیرا جنبش هایی که کاملاً استقرار یافته و به صورت رسمی در می آیند معمولاً ویژگی های بوروکراتیک پیدا می کنند. بدین سان جنبش های اجتماعی ممکن است به تدریج به صورت سازمان های رسمی در آیند.»³⁸

این تعاریف کاملاً بر جریان فمینیسم انطباق دارد. عمل جمعی، تغییر در قانون و گاهی نهادینه شدن در سازمان های رسمی، اموری آشنا در تاریخ فمینیسم می باشند. فمینیسم موج اول صرفاً عملی جمعی و جنبشی اجتماعی است که راهپیمایی ها، اعتصابات و شورش ها عمده ترین فعالیت های آن به شمار می رود.

دیوید آبرل جنبش های اجتماعی را به 4 دسته تقسیم بندی می کند. دو دسته اول که خواهان تغییر در جامعه اند عبارتند از:

- 1 — جنبش های دگرگون ساز که هدفشان دگرگونی فراگیر، سریع و عظیم و غالباً خشن در جامعه است مانند جنبش های انقلابی یا بعضی جنبش های مذهبی رادیکال.
- 2 — جنبش های اصلاح طلب که هدف هایی محدودتر دارند و می خواهند تنها برخی از

341. Movement

352. Rvolutionary Movement

36mentReform Move .3

. آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو، فرهنگ و علوم سیاسی، پیشین، ص 37.369

. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، م. منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چ 3، 1376، ص 671 و 672.38

جنبه‌های نظم اجتماعی موجود را تغییر دهند.³⁹ با این تعریف، فمینیسم رادیکال موج دومی را نیز می‌توان جنبش اجتماعی دانست، البته از نوع دگرگون‌ساز و انقلابی‌اش. **نظریه اجتماعی**⁴⁰

واژه (Theory) از (Theoria) کلمه یونانی به مفهوم شناسایی هنر و دانش در یک امر معین و به معنای اندیشیدن و تحقیق گرفته شده است.⁴¹ در ذیل به تعاریفی از آن اشاره می‌کنیم: «نظریه مجموعه قانون‌هایی است که بر مبنای قواعد منطقی با یکدیگر در ارتباط بوده. مبنای بخشی از واقعیت باشد. نظریه هم‌نگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد.»⁴²

«نظریه عبارت است از سیستم مفاهیم و نظریات یعنی مجموعه‌ای از اندیشه‌های راهنما در این یا آن زمینه از دانستنی‌های بشری و توجیه و توضیح علمی قوانین تکامل در طبیعت یا در اجتماع. نظریه مجموعه نظام معرفت‌تعمیمی بشری است که نه همه واقعیت بلکه این یا آن جهت واقعیت را توضیح می‌دهد. از این تنوری بخشی از جهان بینی است. یک جهان بینی می‌تواند مرکب از تنوری‌های مختلف مربوط به مسائل مختلف باشد. تنوری همین‌که توده‌های مردم را فراگیرد به نیروی مادی بدل می‌شود.»⁴³

«نظریه اجتماعی کوششی است در راه تمهید مجموعه‌ای منتظم، به هم پیوسته و معنی‌دار متشکل از گزاره‌ها، پیش‌فرض‌ها و اصولی که در راه تبیین امور و وقایع اجتماعی به طور علمی پدید آید.»⁴⁴ آلن بیرو نظریه را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه بینش‌های سازمان یافته و منتظم در مورد

ر. ک: همان، ص 672 و 673.

401. Socail Theory

ر. ک: علی آقا بخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، پیشین، ص 585 و غلام عباس توسلی، نظریه‌های 41 جامعه‌شناسی، قم: چ مهر، چ 1376، ص 24.

ر. ک: غلام عباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، پیشین، ص 25.

ر. ک: آقا بخشی، علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، پیشین، ص 585.

ر. ک: ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، ج 2، پیشین، ص 798.

موضوعی مشخص، مانند نظریه نسبیت انیشتین و...» او هدف غایی در تمهید نظریه را «تبیین پدیده‌ها یا دانستنی‌های گوناگون با يك یا چند اصل» می‌داند.⁴⁵

به اعتقاد پارسنز نظریه اجتماعی عبارت است از «يك سلسله مفاهیم انتزاعی خاص که تنها منعکس کننده بخشی از واقعیت اجتماعی است» به نظر او نظریه باید به تبیین نقش اجتماعی افراد و خصصت‌های ادراکی و عاطفی آنها بپردازد.⁴⁶

این کریب نیز نظریه را تلاشی برای تبیین تجربه روزانه ما از عالم تعریف می‌کند.⁴⁷ پس از آشنایی با تعریف نظریه اجتماعی، در تطبیق آن با فمینیسم به این نتیجه می‌رسیم که موج اول فمینیسم فاقد جنبه تئوریک و نظریه پردازانه است اما فمینیسم طی موج دوم، جنبه نظریه پردازانه نیز پیدا می‌کند و به عنوان نظریه‌ای اجتماعی شناخته می‌شود. در موج دوم راهپیمایی‌ها، اعتصابات و شورش‌ها جای خود را به مطالعات وسیع نظری و دانشگاهی، انتشار کتاب، مجله و روزنامه می‌دهد. از دهه 1970 دوره‌های مطالعات زنان در دانشگاه‌ها رسمیت یافتند تا جایی که امروزه مهم‌ترین و فعال‌ترین حوزه فعالیت‌های فمینیست‌ها قلمرو علمی - دانشگاهی است.⁴⁸

رسالت فمینیسم به عنوان يك «نظریه» این است که ستم تاریخی بر زنان و اشکال مختلف آن را توضیح دهد و در تبیین علت این موقعیت فرودست بکوشد.

به بیان اوکلی «فهم نظری علت ستم‌دیدگی زنان بخش مهمی از اهداف فمینیسم رادیکال است که با ارائه نظریه‌های عموماً جهان‌شمول و کل‌گرایانه منجر شده است.»⁴⁹ مگی هام می‌گوید:

«نظریه فمینیستی قصد دارد تا به درکی عمیق‌تر از وضعیت زنان حیات بخشد. نظریه فمینیستی با تجربه زنان از سرکوب شروع می‌شود... تمامی نویسندگان فمینیست از زمان جنگ جهانی دوم، از سیمون دوبوار به بعد همگی علاوه بر آن که در ارتباط با رشته‌های مختلف می‌نویسند،

45. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، پیشین، ص 428.

46. ر. ک: غلام عباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، پیشین، ص 240.

47. این کریب، نظریه‌های مدرن در جامعه‌شناسی از پارسنز تا هابرماس، م، محبوبه مهاجر، انتشارات سروش، چ 47، ص 1378، 15.

48. ر. ک: حمیرا مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی، پیشین، ص 437 تا 442.

49. همان، ص 310.

نظریه‌پرداز هم هستند»⁵⁰

از نظر رتیزر:

«نظریه فمینیستی بخشی از یک رشته پژوهش درباره زنان است که به طور ضمنی یا رسمی، نظام فکری گسترده و عامی را درباره ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی از چشم‌انداز یک زن ارائه می‌کند. این نظریه از سه جهت متکی به زنان است. نخست آن که «موضوع» عمده تحقیق آن... موقعیت‌ها و تجربه‌های زنان در جامعه است. دوم آن که... در صدد آن است که جهان را از دیدگاه متمایز زنان نگاه کند سوم اینکه نظریه فمینیستی دیدگاهی انتقادی و فعالانه به سود زنان دارد و در پی آن است که جهان بهتر را برای زنان بسازد که به نظر آنها بدین ترتیب جهان برای بشریت نیز بهتر خواهد شد»⁵¹

رتیزر سه پرسش بنیادین فمینیستی را طرح می‌کند که پاسخ به دو پرسش اول، توسط فمینیستها، از فمینیسم یک نظریه اجتماعی می‌سازد. این دو سؤال عبارتند از: 1- زنان در جهان اجتماعی چه وضع و موقعیتی دارند؟ 2- چرا وضع زنان به این صورت است؟

سؤال اول مربوط به توصیفی از جهان اجتماعی و سؤال دوم تبیینی از آن را می‌طلبد و به قول رتیزر «توصیف و تبیین جهان اجتماعی دو روی سکه هرگونه نظریه جامعه‌شناختی اند.» این چنین است که فمینیسم را می‌توان یک نظریه جامعه‌شناختی به حساب آورد.⁵²

پس از اینکه فمینیسم یک نظریه اجتماعی دانسته شد باید بررسی شود که این نظریه هم‌ردیف چه نوع نظریاتی است ذیلاً به برخی از ویژگی‌های فمینیسم به عنوان یک «نظریه» اشاره می‌کنیم.

1- نظریه سیاسی و عمل‌گرا

«کردار فمینیستی هم نظریه است، هم عمل»⁵³

50. مگی هام، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، م: فیروزه مهاجر، فرخ قره داغی، نوشین احمدی خراسانی ج 1، نشر توسعه 50، 1382، ص 442.

51. جورج رتیزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، پیشین، ص 460 و 51.459.

52. ر. ک: همان، ص 52.462.

53. مگی هام، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، پیشین، ص 53.442.

تمام نظریه‌پردازی‌های فمینیستی برای این هدف است که اقدامات و مبارزات فمینیستی را توجیه کند. جنبش فمینیسم برای اینکه بتواند در عرصه‌های علمی و دانشگاهی حرفی برای گفتن داشته باشد و ماهیت و وجود خود را توجیه کند، ناچار بود به نظریه روی آورد. به تعبیری «فقط هنگامی که یک موضوع جدید⁵⁴ را به نحوی منسجم در نظر آوریم و آن را به کمک نظریه توجیه کنیم می‌توان به یک نظم سیاسی با کیفیت جدید دست یافت»⁵⁵

«فمینیسم به عنوان یک نظریه اجتماعی... «تعهدی اجتماعی» دارد و نوعی «شناخت اجتماعی عمل‌گرایانه» و معطوف به فعالیت عملی دگرگونی خواه محسوب می‌شود و به بیان رابرت آنتونیویک «نظریه اجتماعی» پیام‌گر است»⁵⁶

به همین دلیل است که فمینیسم را نظریه‌ای سیاسی نیز می‌دانند. یعنی از آنجا که اغلب گرایش‌های فمینیسم پس از قبول ستم و تبعیض نسبت به زنان در صدد ارائه راهکارهای عملی برای رفع این تبعیضات برآمدند جنبش فمینیستی رنگ و بوی فعالیت سیاسی به خود می‌گیرد. از این منظر،

«نظریه فمینیستی سیاسی است یعنی هدفش نه فقط تبیین جامعه بلکه دگرگون کردن آن است. نظریه‌های فمینیستی به تحلیل این مسأله علاقه‌مندند که چطور زنان می‌توانند با فهم اینکه چگونه روابط مردسالاری آنان را کنترل و محدود می‌کند جامعه را چنان دگرگون سازند که دیگر فرودست نباشند. در نتیجه بسندگی نظریه فمینیستی را با سودمندی آن می‌سنجند یعنی با آن میزان از دانش سودمند و قابل استفاده‌ای که در اختیار زنان می‌گذارند»⁵⁷

2 - نظریه‌ای انتقادی

نظریه فمینیستی بیش از هر چیز به «انتقاد» می‌پردازد.⁵⁸ انتقاد از وضع موجود زنان در

541. New subject

. گرگورمک لنان، پلورالیسم، جهانگیر معینی علمداری، تهران: آشیان، چ 1381، ص 55.22

. حمیرا مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی، پیشین، ص 56.437

. پاملا بوت، کلروالاس، مقاله تولید دانش فمینیستی، بولتن مرجع فمینیسم، پیشین، ص 57.73

. ر. ک: حاتم قادری، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران، سمت، 1379، ص 58.129

خانواده و جامعه، انتقاد از نحوه تفکر مردان در مورد زنان و زنانگی، انتقاد از علوم و دانش‌های زمانه، انتقاد از تفکیک حوزه عمومی و خصوصی و محدود کردن زنان در حوزه خصوصی، انتقاد از فرهنگ، دین، جامعه، اقتصاد، علم و فلسفه و سیاست و خلاصه از همه چیز! حتی از خود زنان و طرز تفکرشان در مورد خودشان!

بنابراین محور اساسی نظریه فمینیسم سلبی است و پر است از «نیست» و «نباید». البته فمینیسم جنبه اثباتی نیز دارد. بعضی گرایش‌های فمینیستی جامعه آرمانی تعریف می‌کنند و راهکارهای ایجابی برای بهبود وضع زنان معرفی می‌کنند اما فمینیسم در این قسمت یعنی بعد ایجابی قضیه، دچار مشکلات جدی است. چرا که چنانچه خواهد آمد نمی‌تواند آموزه‌ها و اهداف و آرمان‌هایی مستحکم و منسجم به دست دهد.⁵⁹

اما گذشته از این مسأله، آیا يك گفتمان انتقادی «نظری» محسوب می‌شود؟ جواب این سؤال مثبت است. قرن بیستم را می‌توان قرن «نظریات انتقادی» دانست. به این معنا که از آن موقع «منتقد بودن به ویژه در حیطه فعالیت آکادمیک به معنی نظریه پرداز بودن نیز هست»⁶⁰

سرچشمه نظریات انتقادی، پیدایش مارکسیسم عنوان می‌شود. مارکسیسم يك «روایت کبیر» است که همه پدیده‌های فرهنگی — ادبیات، موسیقی، نظام‌های سیاسی، ورزش، روابط نژادی و... را زیر ذره‌بین خود مورد تحلیل و قضاوت ارزشی قرار می‌دهد. بنابراین مارکسیسم يك نظریه انتقادی محسوب می‌شود. از این نظر تشابهاتی بین مارکسیسم و فمینیسم وجود دارد زیرا فمینیسم نیز مانند مارکسیسم همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و بشری را نقد می‌کند.

همان‌طور که گذشت رتیزر فمینیسم را يك نظریه اجتماعی تعریف می‌کند او در بحث دیگری این مسأله را مطرح می‌کند که فمینیسم در ردیف کدام نظریات جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد؟ آیا به دلیل اینکه فمینیسم محدود به اقلیتی می‌شود می‌توان آن را در ردیف نظریه‌های جامعه‌شناختی مختص کجروی و انحرافی و کم‌اهمیت داشت؟ رتیزر با تکیه بر دو پرسش بنیادین فمینیستی (که گذشت) این فرض را رد می‌کند و معتقد است اگر قرار باشد فمینیسم را در نظریات جامعه‌شناختی طبقه‌بندی کنیم، فمینیسم در کنار نظریه کلی و عام «مارکسیسم» قرار می‌گیرد.⁶¹

ر. ک: همان، ص 59.135

استوارت سیم و بورین وان لون، *نظریه انتقادی، قدم اول*، م. پیام یزدانجو، تهران: شیرازه، 1382، ص 60.10

جورج رتیزر، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، پیشین، ص 61.462

نظریه انتقادی خصوصیتی نیز دارد از جمله «رویکرد هم‌نهادی و ترکیبی» آن است.⁶² قریب‌بستم شاهد گسترش طیف وسیعی از نظریاتی است که در آنها نظریه پرداز برای تبیین هر مسأله‌ای که در نظر دارد، مواردی از نظریه‌های مختلف را در بر می‌گزیند و یا با هم ترکیب می‌کند. به جز متعهدترین هواداران پرشور جنبش‌های مختلف، اکثر منتقدان امروزی به استفاده از الگوی ترکیبی تمایل دارند یعنی بخش‌هایی از نظریه‌های گوناگون را در راستای رویکرد تخصصی خود بر می‌گزینند.⁶³

این خصوصیت نظریات انتقادی بر نظریه فمینیسم منطبق است و فمینیسم همواره از نظریات هم عصر خود در جهت نقادی آنچه مورد نظرش است بهره برده است. برخلاف تصور بعضی که این استفاده را نشانه ضعف فکری فمینیسم و فقدان ارزش علمی آن می‌دانند، کسانی هم هستند که این امر مثبت جلوه می‌دهند و می‌گویند: «فمینیسم در اخذ خواسته‌هایش از طیف گسترده‌ای از دیگر نظریه‌ها — مارکسیسم، لیبرالیسم، پسامدرنیسم و... — قابلیت تحسین برانگیزی از خود نشان داده و در عین حال دستور کار کاملاً مشخص خویش را پی گرفته است».⁶⁴

خصوصیت دیگر یک نظریه انتقادی، سیاسی بودن آن است. به تعبیر دیگر انتقادی بودن نظریه فمینیستی به سیاسی بودن آن یاری می‌رساند چرا که برخورد انتقادی، برخورد سیاسی است و ارزش نظریه انتقادی تا حد زیادی ناشی از توانایی آن برای حفظ حضور سیاسی خود است.⁶⁵

*«نظریه انتقادی مداخله متینی در سیاست فرهنگی دارد، بی‌شک ما هر چه در «نظریه مند» تر باشیم، مداخلاتمان مؤثرتر خواهد بود... [به طوری که] می‌توان گفت «نظریه، قدرت است»».*⁶⁶

مکتب

«حوزه تفکر علمی یا گرایش‌های فکری مشابه و نزدیک به هم را که احیاناً یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و یا زمینه‌های خاصی را برای تحقیق و تتبع و نظریه‌پردازی ممکن است

621. Synthetic

ر. ک: سیم، وان لون *نظریه انتقادی قدم اول*، پیشین، ص 8 و 63.9

همان، ص 64.143

همان، ص 65.7

همان، ص 66.166

بپذیرند. مکتب می‌نامند»⁶⁷

رابطه مکتب و نظریه آنقدر نزدیک است که گاهی نمی‌توان بین آن دو یک خط فاصل قطعی رسم کرد و گفته شده است: «حتی آنچه در سنت اروپا، مکتب خوانده شده است در جامعه‌شناسی آمریکا نظریه نامیده می‌شود» اما مکتب با توجه به گرایش‌ها و نظریه‌های مختلف درونی‌اش نسبت به نظریه کلی‌تر و عام‌تر است.⁶⁸

سؤال اینجاست که آیا می‌توان فمینیسم را یک مکتب دانست؟ فمینیسم همواره متهم بوده است که نتوانسته جهان بینی جامع و کامل و منسجمی را پایه‌ریزی کند و یکی از دلایل این امر، وجود اختلافات بسیار و اساسی بین فمینیست‌ها است.

اما با توجه به اینکه فمینیسم یک نظریه است و از طرف دیگر نظریه و مکتب همانطور که ذکر شد ارتباط تنگاتنگی با هم دارند احتمال اینکه فمینیسم را مکتب به حساب آوریم شدت می‌گیرد و عدم انسجام و اتحاد و انتظام بین نظریات فمینیستی به عنوان ضعف درونی این مکتب به حساب می‌آید. خصوصاً پسوند «ایسم» در واژه فمینیسم شاهد دیگری بر مکتب بودن آن می‌تواند باشد. به تعبیری

«ممکن است با قدری تسامح، موج اول فمینیسم که در ظاهر صرفاً جنبشی اجتماعی در دفاع از حقوق برابر و حق رأی زنان است را فاقد ویژگی‌های یک مکتب فکری دانست اما ورود به موج دوم با طرح فلسفه فمینیستی و پس از آن با طرح معرفت‌شناسی فمینیستی چنین توهمی را برطرف می‌سازد. گرچه بر این باوریم که فمینیسم نظریه‌ای فاقد انسجام درونی و قدرت تفسیر پدیده‌هاست. بدیهی است که ناکارآمد بودن یک نظریه مطلبی است و اصرار بر عدم وجود مکتب فکری، مطلب دیگر»⁶⁹

فلسفه

سؤال آخر در این بخش این است که آیا می‌توان فمینیسم را نوعی جریان فلسفی به حساب آورد؟ گیدنز در تعریف خود از نظریه اجتماعی می‌گوید:

. توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، پیشین، ص 67.25

. همان، 68.

. محمدرضا زبیبایی نژاد، درآمدی بر فمینیسم، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، دفتر مرکز مطالعات و تحقیقات 69

زنان، پیشین، ص 30.

«نظریه اجتماعی متضمن تحلیل مسائلی است که به سمت فلسفه می‌غزد هر چند در وهله نخست جهدی فلسفی نیز محسوب نمی‌شود.»⁷⁰

نظریه فمینیستی، گاه از آراء فیلسوفان در جهت تبیین مسائل خود استفاده می‌کند و در بسیاری از موارد، نظریات فلسفی را شدیداً نقد می‌کند و در این راستا خود نیز در برخی مباحث مستقیماً وارد مباحث فلسفی می‌شود. اما این ارتباط با فلسفه باعث نمی‌شود فمینیسم را جریانی فلسفی تلقی کنیم چرا که فلسفه، «اندیشیدن در باب امور مسائل هستی و به سؤال نهادن همه جوانب حیات و پاسخگویی به کنجاوی‌های بزرگ انسان است»⁷¹ و فمینیسم از تعریف فلسفه خارج است. لذا

«جریان فمینیسم اگرچه از گفتارهای فلسفی خالی نیست اما بیشتر نوعی جنبش سیاسی و اجتماعی — فرهنگی است نه یک جریان فلسفی خود نام به معنای دقیق کلمه»⁷²

به طور خلاصه می‌توان گفت فمینیسم گرچه یک جریان فلسفی به حساب نمی‌آید اما همواره در تعامل با فلسفه به سر می‌برد.

70. حمیرا مشیرزاده، *از جنبش تا نظریه اجتماعی*، پیشین، ص 440.

71. باقر ساروخانی، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، ج 2، پیشین، ص 584.

72. کریستین دولا کامپانی *تاریخ فلسفه در قرن بیستم*، م. باقری‌رهام، تهران: آگاه، چ 1، 1380، ص 540.